# معنای ورود فاعل به ماده در باب تفعّل و تطبیق آن با معنای مطاوعه

**شاگرد۲:** معنای مطاوعه با معنای تجریدیای که شما در باب تفعل فرمودید، چیست؟

**استاد:** در بعض موارد به تناسب مؤلفههای ماده و ورود، مطاوعه شکل میگیرد.

**شاگرد:** یعنی معنای غالبی شمردن برای آن اشتباه است؟

**استاد:** در غالب موارد وقتی وارد میشود، این از آن استفاده میشود. مانعی ندارد.

**شاگرد:** کسرته فتکسّرت. یعنی یک کسری دارم که این شیشه خودش را به آن وارد کرد. الآن مطاوعه آن کسر میشود. یعنی باز ورود را دارد.

**شاگرد:** یعنی الآن ماده وارد میشود؟

**استاد:** خودش را به ماده میزند. شیشه خودش را به کسر زد. چرا؟ چون قبول کرد. یعنی از لوازم کسر که ریخت ماده هست، و شیشهای که بر ماده کسر وارد میشود و خودش را به کسر میزند، نتیجه میگیریم که کسر را قبول کرد.

**شاگرد:** چرا بر عکس میفرمایید؟ چرا نمیفرمایید که ماده وارد بر فاعل شود؟ یعنی کسر وارد بر شیشه شود. این معنا با مطاوعه بیشتر مناسبت دارد.

**شاگرد۲:** تشرف هم با این معنا مناسب میشود.

**استاد:** نه، فرمایش ایشان منافاتی با مقصودی که من داشتم، ندارد. مثل قلب است. یعنی مواردی هست که ماده میآید و مواردی هست که او خودش را میزند. ولی چرا فاعل شده است؟ در همین مثال شیشه، فاعل تکسر چیست؟ کسر است؟ یا شیشه است؟ و الّا شما میگویید کسر بر او وارد شد، پس فاعل کسر است. چرا میگویید تکسر؟! بعد میگویید مطاوعه است، یعنی قبل الکسر. فاعل چطور مطاوعه میشود؟

**شاگرد:** در حقیقت فاعل، همان کسر میشود.

**استاد:** بله، اینطور که من عرض میکنم فاعلیت آن را حفظ میکند. یعنی شیشه خودش را به کسر زد. در اینجا کسر، فاعل نمیشود. ولی به تناسب اینکه میخواهد بشکند، ریختش طوری

است که وقتی میخواهد بشکند باید این ماده را قبول بکند. بهنحویکه مطاوعه باشد. اما اینکه تاء و تشدید چه دخالتی دارد باید بیشتر فکر کنیم.

ببینیم مرحوم مصطفوی چه میگویند. الآن یادم آمد. خود ایشان در بعضی از مجلدات به نظرم فهرستی دارند. یکی از کارهای خوب این است که زحمات ایشان در ابواب مزیدٌفیه هدر نرود.

**والحمد لله رب العالمین**

---

بازبینی #1
ایجاد شده 17 مه 2026 14:27:25 توسط ... .
به روزرسانی شده 17 مه 2026 14:28:23 توسط ... .